

حسن شعری کشمیری و نمونه های نعت از مرآة الخیال

عظمی زریں نازیہ*

چکیده:

دامنه گسترده ادبیات فارسی با جواهر تابدار سرزمین کشمیر پُر است. خواجه ابو محمد حسن فرزند خواجه صدر الدین، متخلص به شعری، ”فخر الشعراء و آفتاب هند (۱۲۲۳ ه.ق / ۱۸۰۸ م ۱۲۹۸ ه.ق) نعت سرا، شاعر بدیهه گو و توانا در ”سری نگر“ (کشمیر مقبوضه فعلی) زندگی می کرد. پس از درگذشت پدرش در دوره ”کهرک سنگ“ پسر ”رنجیت سنگ“، کشمیر را ترک گفت.

شعری در ضمن تجارت به لاهور و امرتسر و سپس به دهلی هم می رفت. او شاعر سبک هندی است ولی شعرش چنان پیچیده نیست، بلکه ساده و روان است. او در امرتسر درگذشت.

مرآة الخیال (دیوان شعری) مثنوی لعل و گهر، قصه چهار درویش آثار منظوم وی است و گلزار خلیل، زبد الاخیار، تحفة المکیة و مکتوبات احمد کشمیری و غیره آثار منشور وی است. **واژه های کلیدی:** شعری کشمیری، کشمیر، امرتسر، مرآة الخیال، کهرک سینگ.

* استاد یار، زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پنجاب لاهور، پاکستان

خواجه ابو محمد حسن فرزند خواجه صدر الدین ، متخلص به "شعری" ، ملقب به "نحر الشعراء و آفتاب هند" ، بچ کشمیری ، در ۱۲۲۳ ق/ ۱۸۰۸ م به دنیا آمد. (اصلاح میرزا: ۱۹۶۷ م، ص ۴۵۹) پدرش هم ذوق شعری خوب داشت و تاریخ تولد شعری "نہال باغ اقبال" گفت که بعداً شعری خودش آن را به نظم در آورد.

چو من زادم پی تاریخ آن سال پدر گفتا "نہال باغ اقبال"

(اصلاح میرزا: ۱۹۶۷ م، ص ۴۵۹؛ عبدالرشید، خواجه: ۱۹۶۷ م، ص ۲۰۶)
 "شعری" در سری نگر، کشمیر زندگی می کرد. او نزد خواجه محمد خلیل قادری فرزند عبدالغفور کشمیری، عربی، فارسی و علوم رایج خواند. (عبدالرشید، خواجه: ۱۹۶۷ م، ص ۲۰۶) در طریقت نیز با او ارادت داشت. "شعری" پس از وفات پدرش در دوره "کهرک سنگ" فرزند رنجیت سنگ ، کشمیر را ترک گفت. (اصلاح میرزا: ۱۹۶۷ م، ص ۴۵۹) و در سال ۱۲۵۶ ق/ ۱۸۴۰ م ، برای تجارت از لاهور به امرتسر و سپس به دهلی رفت. در دهلی در مجالس شعری شرکت می کرد. شاعرانی مانند امام بخش صهبایی دهلوی ، مومن خان مومن و غالب دهلوی نیز در آن مجلس ها حضور داشتند. (عبدالرشید، خواجه: ۱۹۶۷ م، ص ۲۰۶)

شعری افلیح شد و در ۱۲۹۸ ق ، در امرتسر فوت شد، یک روز پیش خودش تاریخ مرگ خود

سرود:

جست تاریخ فوت خود شعری شد ندا: "رحمت خدا آمد"

۱۲۹۸ ق

(اصلاح میرزا: ۱۹۶۷ م، ص ۴۵۹؛ عبدالرشید، خواجه: ۱۹۶۷ م، ص ۲۰۷)
 به گفته حکیم محمد موسی امرتسری او در امرتسر دفن شد و به گفته محمد عبداللہ قریشی او در سری نگر دفن شد. (سلیم چودھری، محمد: ۱۹۹۶ م، ص ۱۴۷)
 آثار:

حسن شعری آثار منظوم و منثور از خود به جا گذاشته است:

آثار منظوم:

۱- مرآة الخیال (دیوان شعری):

به قول خود شعری "پنجاه هزار بیت داشت، ولی بیشتر از آن در سفر از دست رفت و هرچه باقی

ماند به اسم "مرآة الخیال" چاپ شده است". (شعری، مرآة الخیال، مقدمه، صفحه ط)

مرآة الخیال ، دیوان فارسی شعری با مقدمه 'شیخ نور احمد' به کوشش فرزندش "غلام احمد نامی" از چاپ خانه ریاض هند، در امرتسر در ۱۳۰۴ ق ، چاپ شد. این دیوان ۵۲۴ صفحه دارد.

در آغاز دیوان پیش گفتاری از خود شاعر درج است. از صفحه ۶ تا ۱۵۶ غزل، از صفحه ۱۵۶ تا ۱۶۹ رباعیات ، از صفحه ۱۶۹ تا ۱۷۹ مرثیه و ترکیب بند است، از صفحه ۱۷۹ تا ۲۰۴ قطعات، از صفحه ۲۰۹ تا ۲۱۴ مفردات و متفرقات، از صفحه ۲۱۴ تا ۲۸۷ مثنوی ساقی نامه، از صفحه ۲۸۶ تا ۳۳۳ تمهیدات ها، از صفحه ۳۳۴ تا ۴۱۹ قصاید ، از صفحه ۴۱۹ تا ۵۰۸ ماده های تاریخی وقائع مختلف واز صفحه ۵۰۹ تا ۵۲۰ تقریظات است.

۲- مثنوی لعل و گهر: این مثنوی را شخصی ناشناس، در حیاتش دزدید.

۳- منظومه قصه چهار درویش: این منظومه هزار و یک صد بیت دارد.

آثار منثور:

۱- گزار خلیل: این کتاب درباره احوال و مناقب خواجه محمد خلیل کشمیری است که در لاهور در ۱۲۹۰ ق چاپ شد، ولی در حال حاضر در دست نیست.

۲- زبدة الاخبار: موضوع این کتاب جغرافی است. شعری آن را در ۱۲۶۲ ق/ ۱۸۳۷ م نوشته که در ۱۲۸۲ ق از انتشارات چشمه نور ، امرتسر چاپ شد. زبدة الاخبار درباره علم مسالک و ممالک ، اقوال و احوال ملل و تحقیق امصار و دیار توضیح می دهد. این کتاب چهار باب دارد.

باب اول: احوال و افلاک تسعه وکواکب سبعة و بروج اثنا عشره و منازل قمر و غیره و مساحت کره ارض بالاجمال موافق ایراد حکمای اسلام و فرنگستان.

باب دوم: نام شهرهای معروف به ترتیب هفت اقلیم ، با اختصار و کوتاه ، با توجه به اطلاعات تاریخ نویسان ایران و توران .

باب سوم: در بیان مساحت و تقسیم اربعه زمین از آسیا و اروپا و افریقا و امریکا برگرفته از اطلاعات روزنامه های انگلیسی.

باب چهارم: در بیان بعضی عجائبات بحور جبال و وحوش و طیور جهان.

۳- تحفة المکیه: زندگی نامه اکمل الدین بدخشانی و جانشینان اوست. به چاپ رسیده است.

۴- مکتوبات احمد کشمیری: این کتاب ، نامه های شیخ احمد کشمیری (در گذشته ۱۲۷۸ ق) در بردارد. "شعری" این مکتوبات را گرد آورده و نسخه ای از آن در موزه ملی پاکستان در کراچی (به

شماره ۹۵۵ - ۱۹۵۸ (N.M.) نگهداری می شود. یک نسخه خطی آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه پنجاب، لاهور به شماره (AccNo ۲۹۹۴) موجود است.

"حسن شعری" شاعر بدیه گو و توانا بود و علاوه بر قصیده و غزل به تاریخ گویی نیز مهارت داشت. یک قطعه تاریخ که برای سلطان عبدالمجید عثمانی پادشاه ترک، فرستاد. سلطان وی را علاوه بر جائزه، لقب "نحر الشعرائ" و "آفتاب هند" نیز عطا نمود. (شعری، مرآة الخیال، ص ۵۱۵؛ احمد، ظهور الدین، ۲۹۸/۵)

اگرچه سبک شعر سرائی 'شعری' سبک هندی است، ولی اشعارش ساده و روان است. مولوی ابوسراج فیروز الدین که شاگرد شعری بود. درباره شعرش بدینگونه نظر داده است:

"از لفظ لفظش شیرین کلامی شاعر پیدا، از شعرش وصف شیوا بیانی هویدا. مضمونش دلآویز، اشعارش مطلب خیز، همه نثرش عقد گهر است و جمله نظمش سلک دُر". (شعری کشمیری، حسن: ۱۲۷۲ ق، ص ۵۱۵)

اگرچه بسیاری از قطعات و قصائد وی در مدح رؤساء و امراء و فرمانروایان است، مانند قصائد در مدح خلیفه سید محمد حسن وزیراعظم پتیا، خواجه مختار شاه رئیس اعظم کشمیر، مهاراجه پرتاب سینگ، والی جمون و کشمیر و شاید به خاطر صله هم هست؛ ولی رباعیات وی بیشتر در معمولاً حمد و نعت رسول اکرم هست یا منقبت اهل بیت، منقبت شیخ عبدالقادر جیلانی و پند و موعظت است. شعری، سعدی را بسیار دوست داشت و اعتراف نموده:

روح سعدی است غزل خوان به زبان شعری پر کنم ساغر از باده شیراز بیا

(همو، همان، ص ۱۵)

و این رباعی او یاد آور "مناجات خواجه عبدالله انصاری" (قرن چهارم) است:

عفو تو خواهد رسول ای ایزد پاک شیطان خواهد ز قهر کردیم هلاک

مپسند خدایا که درین عرصه خاک ابلیس شود شاد و محمد غمناک

(همو، همان، ۱۵۷)

'خواجه امیر الدین امیر'، شاگرد شعری می گوید:

"هر دم ازین باغ بری می رسد تازه تر از تازه تری می رسد

چون به ستایش و نیایش جهان وری گراید که بیت جسم راجان بخشید"
 شعری ستایش پیغمبر اکرم را وسیله شفاعت می داند:
 محمدت شده شافع ز محمدت شعری که آفریده اش از سیرت حمید خدا
 (همو، همان، ۱۰)

مثنوی "چهار درویش" را با حمد و نعت آغاز می کند:
 ای کشاینده در مقصود وی نماینده خزانه جود
 ابر الطاف وقف خاطر کن سلک نظم پُر از جواهر کن
 تاج کردی الف ز آغازم بتم اختتام بنوازم
 که جز این نیستم اتم مهمام بحق مصطفی علیه السلام
 (همو، همان، ۲۳۲)

شعری در نعت خود اشاره به آیات قرآن و احادیث نبوی نیز می کند:
 صورت شان نزول سورة واللیل گفت چون یدالله شانه کش گردید کیسوی ترا
 (همو، همان، ۱۰)

درین بیت اشاره به سورة والضحی است:
 والضحی واللیل اذا سبخی ما ودعک ربک وما قلی
 قسم به روز روشن و قسم به شب یا هنگام آرامش آن که خدا هیچ گاه تو را ترک نگفته و به تو
 خشم ننموده است.

در بیت زیر اشاره به آیات "سورة نجم" هست:
 سواد چشم تو افزوده سرمه ما زاغ ندیده دیده تو غیر را چو دیده خدا
 (همو، همان، ۱۰)

ما زاغ البصر وما طفی. لقد رای من آیات ربّه الکبری.
 از حقائق آنچه را باید بنگرد، مشاهده کرد. آنجا از بزرگتر آیات حیرت انگیز پرودگار را به حقیقت

دید.

شعری می گوید انسان کی می تواند وصف محمد بیان کند، چون خدای بزرگ و برتر خود وصفش می کند:

شمه گفتن ز خلقت کی بود حدّ بشر چون لسان قدس وصفی کند خوی ترا
(همو، همان، همانجا)

شعری صنائع لفظی و معنوی را نیز به کار می برد.

جان شعری بلبل دستان سرای نعت تُست جنت الماویٰ شہار گلشن کوی ترا
(همو، همان، همانجا)

و شعری برای خود استعاره بلبل و برای آستانه مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم استعاره گلشن می آورد و فکر می کند که هنگام نعت سُرای در جنت است.

او به رسول الله و آل رسول و اصحاب کرام احترام می گذارد و به واسطه و به وسیله اینها از خدا می خواهد که ایمانش را نگهدارد از شیطان و توفیق توبه به وی بدهد.

یا رب به رسالت رسول مختار آنگاه به آل پاک و اصحاب کبار
ایمان مرا نگاه دار از شیطان توفیق به توبه ام بده آخر کار
(همو، همان، ص ۱۵۶)

در رباعی های زیر شعری به عقائد اسلامی اشاره می کند:

یا رب به خداوندی تُست اقرارم ایمان به رسالت رسول دارم
گرنامه سیاه گشت از عصیان از بحر کرم قطره کن درکارم
(همو، همان، همانجا)

و

یا رب بنابه بزم قریه ات راهم مشغول به خود کن ز گدا و شاهم
جرم محمد الرسول الله بخش چون قائل لا اله الا الله
(همو، همان، همانجا)

عقاید اسلام پنج است:

۱- ایمان بالله ۲- ایمان بالرسول ۳- ایمان بالآخرت ۴- ایمان بالملائکه ۵- ایمان بالکتاب.

شعری می گوید یا رب! من به خداوندی ترا اقرار می کنم و بر رسالت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم نیز ایمان دارم و در رباعی دیگر می گوید: یا رسول الله! جرم ببخش چون من ایمان بالله دارم.

اشاره به آیه ۱۷۷ ، سورة البقره :

ولكن البر من امن بالله واليوم الآخر والملئكته والكتب والنبیین.

حدیث :

ان نومن بالله وملئكته ورسله والیوم الآخر.(مسلم، ج ۱، ص ۶۵)

نمونه های نعت شعری کشمیری:

لباس نازقِد تو خود بریده خدا	تویی که بهر خودت از جهان گزیده خدا
که در زمانه مثالت نیافریده خدا	بحیرتم که تو در آئینه چه می دیدی
به کلک صنع چو نقش ترا کشیده خدا	شد از نهایت تعظیم مورد قسمش
به گنج رحمت بی انتها خریده خدا	دُرِ یتیمی و والا بها از آن ز خودت
که روح در تن آدم به خود دمیده خدا	به یمین نور تو بود آنکه جبهه اش افروخت
هر آنچه وقت طلب از لبَت شنیده خدا	نهاد پیش تو از گنج لطف دست به دست
ندیده دیده تو غیر را چو دیده خدا	سواد چشم تو افزود سرمه ما زاغ
بساط دعوت عامت که گستریده خدا	بود بسیط زمین چون طبقه ازوی
که آفریده اش از سیرت حمیده خدا	محمدت شده شافع ز محمدت شعری

(همو، همان، صص ۹-۱۰)

سجده می آرد حرم محراب ابروی ترا	عرش می بوسد زمین خاک سرکوی ترا
سرّ ما زاغ البصر چشم سنخگوی ترا	از اشارت های مژگانست بر نوک زبان

یکسرِ موهم ز حُسنِ خط فرونگذاشته کاتبِ قدرت نوشته مصحف روی ترا
 کرده با صد زیب و زینت در ریاضِ اصطفای فیض باری آبیاری سرودلجوی ترا
 صورتِ شان نزولِ سورة واللیل گفت چون ید الله شانه کش گردید گیسوی ترا
 کرده و آغوش خود پیراهن یوسف ز چاک تا کند عطر گریبان نافه بوی ترا
 شمه گفتن ز خلقت کی بود حدّ بشر چون لسانِ قدس و صافی کند خوی ترا
 شد مکحل چشم حور العین تا روشن شود در شب اسری سوادِ دقترِ موی ترا
 جان شعری بلبلِ دستانِ سرایِ نعت تُست جنتِ الماوی شمارد گلشن کوی ترا

(هو، همان، ص ۱۰)

محمد که جز ذات حق هر که هست به دامانِ تعظیم او بسته دست
 رُخش روشن آئینه ممکنات موجّه درو عکس ذات و صفات
 جبین مطلع شمس نور مبین بر آن شمع پروانه روح الامین

(هو، همان، ص ۴)

رباعیات :

یا رب به خداوندی تُست اقرارم ایمان به رسالت رسولّ دارم
 گرنامه من سیاه گشت از عصیان از بحر کرم قطره کن درکارم

(همو، همان، ص ۱۵۶)

یا رب بنما به بزم قربت را هم مشغول به خود کن ز گدا و شاهم
جُرم محمد الرسول الله بخش چون قاتل لا اله الا الله

(همو، همان، همانجا)

یا رب به شناسای خود راه نمای از نور یقین دلم منور فرمای
پیش تو حبیب تو شفیع آوردم بر عاجزی وضعیفی من بخشای

(همو، همان، همانجا)

یا رب به رسالت رسول مختار آنگاه به آل پاک واصحاب کبار
ایمان مرا نگاه دار از شیطان توفیق به تو به ام بده آخرکار

(همو، همان، همانجا)

منتقبت حضرت علی :

نوشت کاتب قدرت سعادت ازلی	به روی صفحه پیشانی غلام علی
به سرفرازی دنیا و دین علم گردد	چو بهره یافت ز مهر نبی و حب علی
هزار راز نهانی لبش کند ظاهر	چو واقف است دل روز علمی و عملی
چو آب کرد کدورت ز روی ها شسته	مثل چو آینه اندر جهان به صاف دلی
به شعری ار نظر التفات فرماید	کند دعای بقای و را خفی و جلی

(همو، همان، ص ۱۸۷)

کتاب شناسی و منابع:

- القرآن.
- احمد، ظهور الدین (۱۹۹۰م)، پاکستان میں فارسی ادب، ۵جلد، ادارہ تحقیقات پاکستان، دانشگاه پنجاب لاہور.
- اصلاح میرزا (۱۹۶۷م)، تذکرہ شعری کشمیر، به کوشش سید حسام الدین راشدی، (دوره کامل)، اکادمی اقبال کراچی.
- سلیم چودھری، محمد (۱۹۹۶م)، شعرائے امرتسر کی نعتیہ شاعری، مغربی پاکستان اردو اکیڈمی، لاہور.
- شعری کشمیری، حسن (۱۲۷۲ق)، مرآة الخیال، به کوشش شیخ نور احمد، چاپ خانہ ریاض ہند، امرتسر.
- صحیح مسلم، جلد: ۱، دارالمعرفہ بیروت، لبنان.
- عبدالرشید خواجہ (۱۹۶۷م)، تذکرہ شعری پنجاب، اقبال اکادمی کراچی.